اهدای ۱۴۲ میلیارد ریال کتاب از سوی خیران

دومین جشنواره مردمی «نذر کتاب» در استان فارس با اهدای ۱۴۸ هزار و ۱۸۶ جلد کتاب به کتابخانه‌های عمومی این استان به‌کار خود پایان داد. این کتاب‌ها با ارزش تقریبی ۱۴۲ میلیارد ریال، از سوی ۴ هزار و ۲۶۹ خیر اهدا شد و در اختیار ۲۷۵ کتابخانه شهری و روستایی قرار گرفتند.

آثار ۵ تصویرگر ایرانی در شانگهای

نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک شانگهای (CCBF) اسامی ۶۹ تصویرگر را به‌عنوان راه‌یافتگان به مرحله نهایی مسابقه معتبر «فرفره طلایی» ۲۰۲۵ اعلام کرد که از ایران پروین حیدری‌زاده، مژده کیان‌زاده، بهاره سعادتمندی، مریم محمودی‌مقدم و نجلا مهدوی‌اشرف در فهرست نهایی حضور دارند. این دوره با حضور ۷۸ کشور برگزار شده است.

صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

عکس تاریخی

آرامگاه کورش در عصر قاجار

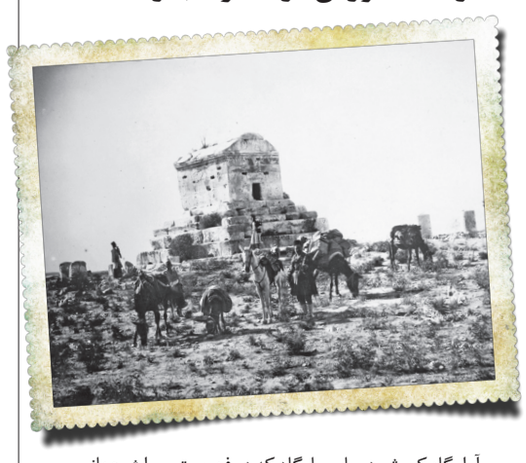

آرامگاه کورش در پاسارگاد که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده، حدود ۱۱۰ سال قبل در اواخر دوره قاجار بدین شکل بود. آن زمان آنتوان سوروگین، عکاس ارمنی گرجی‌تبار که در دوره قاجار و پس از آن در دوره پهلوی اول در ایران زندگی می‌کرد این عکس را ثبت کرد. آنتوان سوروگین با ۵ دهه فعالیت حرفه‌ای عکاسی، یکی از مهم‌ترین مستندنگاران زندگی ایرانیان از دوران ناصرالدین‌شاه تا سلطنت رضاخان است.

او برای کامل کردن مجموعه عکس‌های خود تمامی ایران را زیر پا گذاشت و از سوژه‌های گوناگون عکاسی کرد. مردم، مناظر، بناهای تاریخی، آداب‌ورسوم، مشاغل و حرفه‌ها، اشیا و سرانجام بسیاری از زوایای زندگی ایرانیان سوژه عکاسی او بودند. تصویری که سوروگین از آرامگاه کورش در پاسارگاد ثبت کرد در اختیار شرکت مک‌میلان و شرکا که در نیویورک و لندن شعبه دارد، بود و توسط همین شرکت منتشر شد و در کتابخانه کنگره آمریکا قرار گرفت.

آرامگاه کورش بنیانگذار سلسله هخامنشی که در دوره قاجار به حال خود رها شده بود و در مسیر کاروان‌ها قرار داشت و در زمان‌هایی نیز به‌عنوان پناهگاه استفاده می‌شد، در سال ۲۰۰۴ میلادی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. این مقبره سال ۵۲۹ پیش از میلاد مسیح یعنی بیش از ۲۵۰۰ سال قبل ساخته شده بود.

قصه‌های کهن

عیّار هوشیار

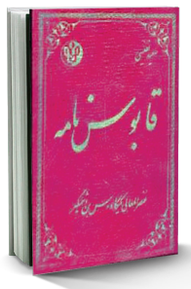

شنودم که در خوراسان عیّاری بود سخت محتشم و نیک‌مرد و معروف؛ مُهلّب نام. گویند روزی در کوی همی رفت. اندر راه پای بر خربزه‌پوستی نهاد، پایش بلغزید و بیفتاد. کارد برکشید و خربزه‌پوست را به کارد زد.

چاکران او را گفتند: «ای سرهنگ، مردی بدین عیاری و محتشمی که تویی، شرم نداری که خربزه‌پوست را به کارد زنی؟»

مُهلّب گفت: «مرا خربزه‌پوست بیفکند، من که را به کارد زنم؟ هر که مرا بیفکند من او را زنم که دشمن من او بود.»

قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاوس‌بن اسکندر

نسل جدید، یعنی توان و قدرت

گفت‌وگویی متفاوت با حجت‌الاسلام علی سرلک، روزنامه‌نگار و نقاش در برنامه «صد» تلویزیون همشهری

گفت‌وگو

علی‌الله سلیمی | روزنامه‌نگار |

منبر یک مدل سنتی دارد یک مدل مدرن. مدل مدرنش عمدتا داخل رسانه است و بخشی از علما و معممین این روزها از روی منبرهای مدرن وعظ و خطابه می‌کنند. یکی از آنها حجت‌الاسلام علی سرلک، متولد الیگودرز و مدرس حوزه و دانشگاه است. امید مهدی‌نژاد، مجری برنامه «صد» تلویزیون همشهری با حجت‌الاسلام علی سرلک گفت‌وگویی انجام داده که گزیده‌ای از این برنامه را با هم مرور می‌کنیم.

عکس: همشهری / حامد خورشیدی

چرا علی و چرا سرلک؟

سرلک اسم طایفه ماست و علی را هم خودم انتخاب کردم. اسمم چیز دیگری بود و در دوران مدرسه اسم علی را برای خودم انتخاب کردم.

ریشه عنوان سرلک از کجا می‌آید؟

سرلک طایفه‌ای بین بختیاری‌هاست؛ طایفه نسبتا بزرگی هم هست که ۳ کلونی اصلی دارد و در الیگودرز، خمین و تبریز زندگی می‌کنند. البته فکر کنم اصلی‌ترین آن، لااقل دوست دارم همین جایی باشد که من هستم؛ الیگودرز.

اولین عکسی که از شما موجود است؟

عکسی از ۲ سالگی من؛ عکس رنگی کوچکی که گوشه‌اش تاخورده و من در آن عکس در حال مشت زدن هستم.

چندمین نفر معمم در خانواده هستید؟

از آغاز، اولی. بعد از من در ادامه ۳ نفر از برادرزاده‌هایم طلبه هستند.

زمانی که بچه بودید فکر می‌کردید معمم بشوید؟

یادم نیست اما یک خواب عجیب باعث شد معمم شوم.

می‌شود آن خواب را تعریف کنید؟

نه.

وقتی موبایل را برمی‌دارید اول کدام قسمت آن را چک می‌کنید؟

اول میس کال، بعد هم پیام‌های واتساپ.

چند فالوئر دارید؟

اینستاگرام ۵۶ بار صفحه‌ام را حذف کرده است. الان دیگر دل و دماغ ندارم، ولی چندی پیش یک مجله‌ای من را جزو ۱۰ شاخ اینستاگرامی معرفی کرده بود، حدود ۱۰، ۱۲ سال پیش. الان ۴۶ کا هستم.

بدترین فحشی که در کامنت‌ها شنیدید؟

دروغگو بودن. مثلا من یک چیزی می‌گفتم، می‌گفتند دروغ می‌گویی. واقعا وقتی کسی را به دروغگویی متهم کنند، درحالی که دروغ نمی‌گوید خیلی دردناک است.

۳ شیئی که همیشه همراه دارید؟

موبایل، انگشتر و لباس‌هایم.

آخرین خبر خوشی که شنیدید؟

یک خبر خانوادگی بود که امروز شنیدم. نوه یکی از برادرهایم در مسابقات تکواندو در تهران برنده شد.

آخرین بار که از چیزی یا کاری پشیمان شدید؟

همین دعوت به این برنامه. پشیمان شدم.

این قدر بد بوده تا اینجا؟

البته شوخی کردم. پشیمان نشدم ولی خیلی چیزها هست که آدم وقتی به آنها فکر می‌کند از انجام‌شان پشیمان می‌شود، مثل وقت‌های زیادی که در فضای مجازی می‌گذرد.

آخرین باری که برای خودتان خرید کردید و لذت بردید؟

خرید یک جفت کفش نرم و سبک بود که قیمتش مناسب و رنگش هم خوب بود.

آخرین باری که از بیرون غذا سفارش دادید؟

همین‌ماه صفر که تمام شد از بیرون غذا سفارش دادیم.

نظرتان درباره اسامی‌ای که می‌پرسم، شیخ مفید؟

مورد اعتماد امام زمان(عج) و آدم درجه یک.

علامه طباطبایی؟

متواضع‌ترین اقیانوس عمیقی که می‌شود دید. تواضع و خود را ندیدن.

مرحوم کافی؟

شیدای امام زمان(عج).

مرحوم فلسفی؟

ذهن منظم و بیان دقیق و حساب‌شده. سخنرانی‌هایش را می‌شد چاپ کرد بدون ویرایش.

مرحوم آقامجتبی تهرانی؟

یکی از کوه‌ها و تکیه‌گاه‌های مردم تهران. بعد از رفتنش خلأش حس شد.

مرحوم فاطمی‌نیا؟

کسی که دین را برای مخاطبانش عمیق، ژرف و پر از اسرار نشان می‌داد.

آقای قرائتی؟

آدم بی‌نظیری است. خادم و شیدای دین و قرآن.

آقای راشد یزدی؟

دلنشین‌ترین و مهربان‌ترین آدم. می‌شود با ایشان ساعت‌ها نشست و به حرف‌هایش گوش کرد و خسته نشد.

مرحوم فرشچیان؟

استادی بی‌نظیر که نشان داد هنر چقدر می‌تواند رشد و عمق و معنا پیدا کند.

به نسل z چقدر امید دارید و چقدر از آنها ناامید هستید؟

اصلا نسل جدید، یعنی انرژی، توان و قدرت. بستگی دارد به چه شکلی از این ظرفیت استفاده کرد، یعنی بستگی دارد به زمینه‌ها، فعالیت‌های آموزشی، تربیتی، خانوادگی و رسانه. اگر آنها درست کار کنند می‌شود امیدوار بود. اگر درست کار نکنند هر انرژی هر قدر هم قدرتمند باشد به ضدخودش تبدیل می‌شود، مثل رود خروشان که اگر رودخانه‌ای در کار نباشد ویران و اگر رودخانه باشد و بسترسازی شود همه جا را آباد می‌کند. در مجموع، به‌نظرم نسل z نسل پرقدرتی است.

یک کار عالی برای همسایه پیر

داستانک

علی‌الله سلیمی | روزنامه‌نگار | حرف آقانوروز هنوز تمام نشده بود که آقاتیمور دست بلند کرد تا صحبت کند. مردها و زن‌ها هر کدام به نمایندگی از یکی از واحدها در منزل آقاسهراب، مدیر ساختمان جمع شده بودند تا درباره راه‌های کم کردن هزینه‌های ساختمان که حالا داشت روزبه‌روز بیشتر می‌شد صحبت کنند. آقانوروز با دست اشاره کرد که آقاتیمور فرصت دهد تا حرف‌های او تمام شود بعد صحبت کند. آقاتیمور دستش را پایین آورد اما طوری نیم‌خیز ایستاده بود که گویا نمی‌تواند راحت بنشیند و باید هر چه زودتر حرفش را بزند. آقانوروز داشت می‌گفت من از این به بعد کارهای رسیدگی به باغچه و درختچه‌ها را خودم انجام می‌دهم و دیگر لازم نیست از بیرون برای این کار کارگر بیاوریم و می‌شود هزینه این کار، هر چند مختصر را صرف بقیه مخارج ساختمان کرد. آقانوروز به تازگی از کار در فضای سبز شهرداری بازنشسته شده بود و بعضی از همسایه‌ها شنیده بودند دنبال کاری هر چند نیمه‌وقت می‌گردد برای کمک به تامین هزینه‌های زندگی‌اش اما حالا داشت می‌گفت کارهای فضای سبز ساختمان را رایگان انجام می‌دهد که کمکی به هزینه‌های عمومی ساختمان کرده باشد. او که مهارت زیادی در رسیدگی به فضای سبز داشت حالا می‌خواست با این کارش، هم خدمتی به همسایه‌ها و صرفه‌جویی در هزینه‌های ساختمان بکند و هم به‌خودش ثابت کند هنوز توانایی انجام بعضی کارها ازجمله رسیدگی به فضای سبز، درختان و درختچه‌ها را دارد و البته بدش هم نمی‌آمد هنر و مهارتش را در رسیدگی به فضای سبز، به رخ بعضی از همسایه‌هایی بکشد که هنر و مهارت او در این کار را خیلی جدی نگرفته بودند. چندباری دورادور از زبان بعضی همسایه شنیده بود که در معرفی او به دیگران گفته بودند: «کارگر شهرداری است.» او انتظار نداشت بگویند متخصص فضای سبز، اما دوست داشت لااقل بگویند در کار فضای سبز هنر و مهارتی دارد. حرف‌هایش که تمام شد آقاتیمور گفت: «خدا خیرت بدهد که می‌خواهید به باغچه و درختان ساختمان رایگان رسیدگی کنید اما من برایتان کاری در شرکت محل کار خودم سراغ دارم که بابت هنر و مهارت شما در رسیدگی به باغچه و درختان مزد خوبی می‌دهند و تازه همکار خودم هم می‌شوید.» انگار گل از گل آقانوروز شکفت که گفت: «خیلی هم عالی می‌شود. هستم در خدمت‌تان. خداوند شما را هم خیر بدهد که این همسایه پیر را فراموش نکرده‌اید.»

پیشنهاد کتاب

کلنل پسیان

اندیشه ساختن سرزمین مادری

کتاب «کلنل پسیان و ناسیونالیسم انقلابی در ایران» نوشته استفانی کرونین پژوهشی در باب ناسیونالیسم انقلابی در ایران است. این کتاب را عبدالله کوثری به فارسی برگردانده و نشر ماهی آن را به چاپ پنجم رسانده است.

کلنل محمدتقی‌خان پسیان، چهره تابناک میهن‌پرستی از دستگاهی نظامی برخاسته بود؛ افسری تحصیلکرده، پیشرو و دنیادیده که بیش از هر چیز نماد ناسیونالیسم بود. او ازجمله افسرانی بود که در نخستین روزهای قدرت‌گرفتن رضاخان با قیام خود عرصه را برای او تنگ کرد. استفانی کرونین، نویسنده «کلنل پسیان و ناسیونالیسم انقلابی در ایران» به بررسی قیام این چهره انقلابی از فروردین تا مهر ۱۳۰۰ شمسی می‌پردازد و چهره این مرد انقلابی را در جوانی نشان می‌دهد؛ جوانی که با قواعد علمی ارتش‌های اروپایی آشناست و سری پرشور و قلبی خوش‌نیت دارد و در اندیشه ساختن سرزمین مادری‌اش است. در این کتاب علاوه بر مقاله استفانی کرونین چند نوشته و مقاله دیگر هم پیوست شده است که تصویری کامل و همه‌جانبه از کلنل پسیان به خواننده امروزی ارائه می‌دهد.

محمدتقی‌خان پسیان سال ۱۲۷۰ خورشیدی (مصادف با ۱۳۰۹ هجری قمری و ۱۸۹۲ میلادی) در تبریز زاده شد. نام پدرش محمدباقرخان پسیان و نام مادرش فاطمه‌سلطان بود. بعد از شکست ایران در جنگ ایران و روسیه (۱۸۲۸–۱۸۲۶) و الحاق بخش‌هایی از خاک ایران به امپراتوری روسیه، رستم‌بیگ جد خاندان پسیان از قفقاز به ایران مهاجرت کرد. محمدتقی در یکی از مدارس مدرنی که اواخر قرن نوزدهم در تبریز تأسیس شده بود تحصیل کرد. خانواده او هم مانند بسیاری از مهاجران قفقازی سنت‌های نظامی قوی داشتند و او هم در ۱۵ سالگی به مدرسه نظام تهران رفت.

پس از تأسیس ژاندارمری در سال ۱۲۹۱، به محمدتقی پیشنهاد شد وارد خدمت ژاندارمری شود و او پذیرفت. او طی ۲ سال به درجه سرگردی و فرماندهی ژاندارمری همدان رسید. او در سال ۱۳۰۰ پس از شورش علیه دولت مرکزی به نخست‌وزیری احمد قوام‌السلطنه، در جریان درگیری با عشایر کرد کرمانج در قوچان کشته شد.

نشر ماهی چاپ پنجم این کتاب را در ۱۴۴ صفحه، به بهای ۱۴۰ هزار تومان منتشر کرده است.

کِلِک

- اشتباه از هر کسی سر می‌زند، ولی بدون ضرر از پس آن بر آمدن کار هر کسی نیست. همه که نمی‌توانند نتیجه اشتباه خودشان را بخورند.
- از هیچ‌چیز به قد بلاتکلیفی دلخور نیستم.
- خدا زن را برای این آفرید که مرد از خوب و بد خودش سر درنمی‌آورد.

گور به گور، ویلیام فاکنر
ترجمه: نجف دریابندری

جدول اعداد | ۵۱۳۱

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

۶		۸					۴	
			۵	۱	۴			
	۹	۱		۶			۳	۲
۲			۳			۹	۶	۷
		۶	۹		۱	۴		
۹	۸	۵			۶			۳
۵	۴			۳		۱	۲	
		۲	۱	۷	۹			
	۳		۴			۶		۸

متوسط

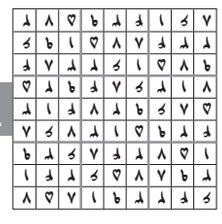

سخت

۴	۵							
		۷		۸			۲	
					۴		۸	۱
۹			۳					
	۶			۲			۱	
					۹			۳
۲	۳		۵					
	۷			۶		۵		
							۷	۴

متوسط

			۳				۵	۷
		۸	۷			۲		۱
۱	۵			۴				
۴		۹					۶	
	۱					۹		۵
				۶			۸	۴
۲		۴			۵	۱		
۸	۶				۹			

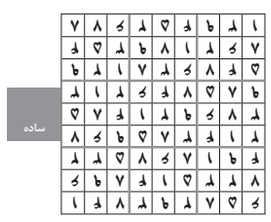

ساده

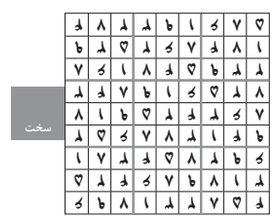

سخت

جدول ۹۴۸۳

افقی:

۱- غریبه- تابلوی مشهور بوتیچلی، نقاش ایتالیایی
۲- باد بسیار گرم- پایتخت هنر خوشنویسی ایران- سیاهرگ
۳- نوعی شیرینی شبیه ژله- تغییر و دگرگونی
۴- لطیفه- شیطان- ضربه‌ای در والیبال
۵- پهلوان- زبانه آتش- جاهل
۶- میمون آدم‌نما- خانم کارآگاه داستان‌های آگاتاکریستی- تکرار حرفی
۷- شلیک پیاپی گلوله- مدار صفر درجه زمین- طول زندگی
۸- سرگرد قدیم- روشنی آتش- خوش‌باور
۹- برادر مرگ است- دارای حرکت کسره- ستایش شده
۱۰- پیشوند فعل مضارع- چوپان- گازی به‌شدت قابل اشتعال
۱۱- راه راست یافته- دیوانگی- شهر بارگاه حضرت معصومه(س)
۱۲- عظمت- نوعی طلاکوب روی جلد کتاب- محافظ چشم
۱۳- اذن- جایی دارای امکانات کامپیوتری برای استفاده از اینترنت
۱۴- زیلوباف- از بازی‌های قدیمی دورهمی‌های خانوادگی- نوعی پارچه ابریشمی نازک
۱۵- نمایش بی‌کلام- مربوط به عقل

عمودی:

۱- کارخانه پارچه‌بافی- موزون- گونه
۲- مادر عرب- بی‌بندوباری- پدر
۳- سازمان کشورهای صادرکننده نفت- پوست دانه گندم- جانور بی‌مهره دریایی
۴- ضمیر جمع- شهری در شهرستان رفسنجان- رویکرد
۵- بزرگ و مهتر- برجسته
۶- فیلمی به کارگردانی اسپایک جونز و بازی مریل استریپ- تأکید شده- خراب‌کردن
۷- نوعی زیرانداز- اصطلاحی در فوتبال- پیشوند سلب
۸- از فروع دین- شادمان- گرامی
۹- بله فرانسوی- عضو مجلس سنا- بهشت
۱۰- از اجزای ترمز- باد گلو- سودبردن
۱۱- تیزرو- سرپرست اوقاف یک ناحیه
۱۲- ورزش ترکیبی از گلف و چوگان- اشاره به نزدیک- سوره شانزدهم قرآن
۱۳- گفتار متن- دادگر- شهر باستانی و قرمز رنگ اردن
۱۴- خانه ساحلی- جابه‌جایی مردم و کالاها- پول ژاپن
۱۵- حایل میان دو چیز- از الحان باربدی- کرایه‌دهنده چهارپایان

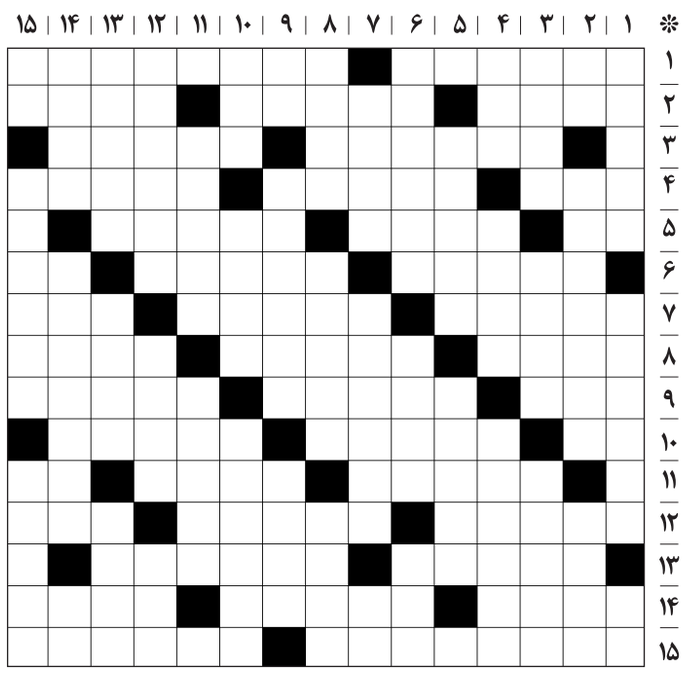
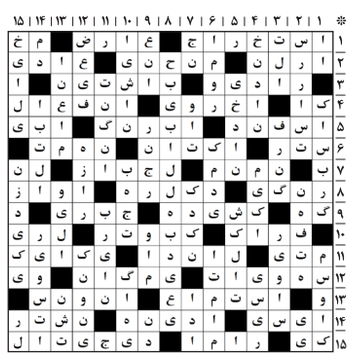
حل جدول شماره ۹۴۸۲